

یادداشت

توافق هسته‌ای و شرایط غربی‌ها



سیدجلال ساداتیان
کارشناس مسائل بین‌الملل

دولت سیزدهم از ابتدای روی کار آمدن نشان داد که تمایل دارد در برجام احیا شود. زیرا برجام به لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای ایران مفید است. بخشی از غربی‌ها تمایل دارند تا پرونده ایران را به مرحله‌ای برسانند تا بتوانند اسنبج را علیه ایران فعال کنند تا به فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران جنبه بین‌المللی بخشد و سایر کشورها را با خود همراه کنند. البته اینکه آمریکا‌ها را به دنبال این هستند که شرایط نظامی علیه ایران ایجاد کنند را باید در زمانی دیگر مورد بررسی قرار داد. در حال حاضر با توجه به مناقشاتی که در جهان پیرامون مسأله کنترل چین و مساله روسیه وجود دارد، بعید است ایالات متحده و اروپایی‌ها به دنبال ایجاد یک فضای نظامی علیه تهران باشند. البته این به معنی آن نیست که آمریکا‌ها به دنبال توافق با تهران هستند بلکه در صورت عدم توفیق در مذاکره با ایران شرایطی را علیه تهران به وجود خواهند آورد که فشارهای اقتصادی همانند سال‌های قبل شدت یابد. هرچند به نظر می‌رسد تهران نتوانسته در برابر فشارهای اقتصادی غربی‌ها به راهکارهایی دست یابد برای نمونه ایران هم اکنون مقدار قابل توجهی نفت به چین صادر کرده و از این طریق نیازهای کشور را برآورده می‌کند. البته تهران هم معادلاتی را در نظر دارد از جمله اینکه خروج سپاه از لیست تحریم‌ها را کنار گذاشته و مذاکره برای خروج آن را به بعد از لغو تحریم‌های هسته‌ای موکول کرده است. این مورد ناشی از راهبردهایی است که تهران در نظر دارد. البته به برخی معتقدند چون غربی‌ها نیازمند توافق با تهران هستند ایران باید محکم روی خواسته‌های خود ایستادگی کند. زیرا هم اروپایی‌ها نیازمند ورود انرژی ایران به بازار جهانی به منظور کاهش نرخ سوخت هستند و از سوی دیگر آمریکا‌ها هم دیگر با خاورمیانه کاری ندارند و فقط یکی از قدرت‌های به ثبات رسان منطقه را ایران دانسته و نیازمند ایران در منطقه هستند. از این نظر ایران باید به‌شدت در مذاکرات هسته‌ای مراقبت کند تا هیچ روزنه‌ای برای بر هم زدن توافق هسته‌ای از سوی آمریکا‌ها وجود نداشته باشد تا آمریکا‌ها در آینده با بهانه‌گیری؛ امتیازاتی را که قرار است به ایران در برابر بازگشت به برجام را بدهند را به تهران اعطا نکنند. هرچند برخی در داخل به رغم اینکه دولت در حال مذاکره با غربی‌ها بر سر پرونده هسته‌ای است، مخالف تعامل با غرب هستند.

بازتاب

هر نوع سرفتی مورد پیگیری قرار می‌گیرد

روز سه شنبه ۲۳ شهریورماه روزنامه «آرمان ملی» گفت‌وگویی با نعمت احمدی حقوقدان و وکیل دادگستری در خصوص جرائم و ناپهنجاری‌های جامعه و بحث سرفت‌های با ارزش کمتر از ۲۰ میلیون تومان ترتیب داده و منتشر کرد که با واکنش‌هایی مختلفی روبه‌رو شد. یکی از این واکنش‌ها موضع دستگاه قضائی بود که به ادای پاره‌ای توضیحات در خصوص آنچه درباره بحث سرفت‌های با ارزش زیر ۲۰ میلیون مطرح شده پرداخت که در قالب جوابیه‌ای برای این روزنامه ارسال شده است. متن جوابیه دستگاه قضائی نیز در پایان مطلب منتشر شده در روزنامه آرمان ملی در خصوص سرفت‌های با ارزش کمتر از ۲۰ میلیون تومان نیاز به پاره‌ای توضیحات دارد که تقدیم حضور می‌شود و انتظار است در آن رسانه محترم منتشر شود؛ همان‌گونه که آقای نعمت احمدی نیز در پایان مطلب منتشر شده در روزنامه آرمان ملی، اشاره کرده‌اند رئیس قوه قضائیه تاکید داشته‌اند اشاره ایشان به قانون مصوب مجلس در سال ۱۳۹۹ به معنای تسامح با سارقین حرفه‌ای و سابقه‌دار یا فرصتی برای فرار آن‌ها از برخورد‌های قانونی با تخلفاتشان نیست، بلکه توضیحات رئیس عدلیه در حاشیه بازدید از ششمین دوم دادپاری دادسرای سرفت در نقطه مقابل سوء برداشتی بود که از این قانون در فضای رسانه‌ای و افکار عمومی ایجاد شده بود حجت‌الاسلام والمسلمین ازامی در همین زمینه گفتند: «بر خلاف شایعه رواج یافته مبنی بر عدم پیگیری سرفت‌های زیر ۲۰ میلیون تومان، باید به این موضوع تاکید و آن را تبیین کرد که هر نوع سرفتی (فارغ از ارزش آن) توسط دستگاه قضائی مورد پیگیری قرار می‌گیرد و دادرساها موظف به پیگیری قضائی این موارد هستند و صرفاً به موجب قانون مصوب مجلس در سال ۹۹، سرفت‌های زیر ۲۰ میلیون تومان آن هم تحت شرایط خاص در زمره جرایم قابل گذشت (از طرف دستگاه قضائی) قرار می‌گیرند» رئیس قوه قضائیه همچنین در جریان بازدید از دادسرای ویژه سرفت تاکید کرد: «در سرفت‌های زیر ۲۰ میلیون تومان به شرط آنکه سارق فاقد سابقه موثر کیفری باشد، شاکی خصوصی می‌تواند رضایت بدهد» همان‌گونه که مشخص است توضیحات رئیس قوه قضائیه دقیقاً در جریان تبیین این موضوع و شبهه موجود در جامعه بوده و وی بارها تاکید کرده که دستگاه قضائی فارغ از ارزش سرفت انجام شده موظف به رسیدگی به پرونده‌های سرفت است، مگر اینکه شاکی خصوصی طبق موازین قانونی در پرونده‌ای اعلام رضایت نماید.

خبر

ریوتیزر داعا کرد:

بازگشت یکی از گروه کارکنان دو نفت کش یونانی توقیف شده به آتن

خبرگزاری ریوتیزر با استناد به اظهارات مقامات یونانی از بازگشت یکی از کارکنان نفت‌کش‌های یونانی توقیف‌شده در ایران به آتن خبر داد. مقامات یونانی مدعی شدند، اولین نفر از گروه کارکنان دو نفتکش توقیف‌شده یونانی توسط ایران در ماه مه، آزاد شده و روز سه‌شنبه به آتن رسیده است. یک مقام وزارت کشتی‌رانی یونان به ریوتیزر گفت: کاپیتان دوم کشتی دلتا پوزیترون به آتن رسیده است. یک مقام یونانی دیگر به ریوتیزر گفته است، این فرد آزاد شده، اولین نفری است که از مجموع ۴۸ نفر دریانوردان یونانی، فیلیپینی و قبرسی کارکنان این دو کشتی به یونان بازگشته است. بقیه آن‌ها قرار است به تدریج در روزهای آتی آزاد شده و منتقل شوند. یک مقام بنادر یونان روز دوشنبه گفت: یونان انتظار می‌رود از آزدسازی نفت‌کش‌ها بیشتر از انتقال کارکنان طول بکشد.

فیاض زاهد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آغاز تضعیف اصولگرایی از دوران احمدی نژاد بود

گفتمان اصولگرایی از امثال مهدوی کنی و ناطق نوری فاصله گرفته است

نواصولگرایی روز به روز ضعیف تر خواهد شد

در ۱۰ سال گذشته اقتصاد ایران ۲۰ درصد کوچک شده است



آرمان ملی – احسان انصاری: «جریان نواصولگرایی روز به روز ضعیف تر خواهد شد. متولیان این جریان باید متوجه این نکته باشند که نمی‌توان کنش‌های سیاسی را با دوپینگ و اران‌های حمایتی پیش ببرند. این وضعیت مانند بدنی است که عادت ندارد در هیچ سطحی با میکروب مواجه شود. به همین دلیل نیز در اولین مواجهه با میکروب دچار بیماری می‌شود. جامعه ایران سسیال است و در حال پشت‌سر گذاشتن تغییرات عمیقی است. نواصولگران نیازمند بازبینی هستند تا در مواجهه با بحران‌های آینده به دلیل اینکه متولی اصلی اداره کشور هستند از ارائه راه حل و حل و فصل مشکلات ناتوان خواهند بود. این خسارتی است که در نهایت به ساختار موجود خواهد خورد. جملات ذکر شده سخنان دکتر فیاض زاهد، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. زاهد در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های درونی و بیرونی گفتمان اصولگرایی پرداخته و هشدارهای لازم را به متولیان این جریان در مواجهه با بحران‌های آینده می‌دهد. در ادامه محاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

گفتمان اصولگرایی از نظر مبانی و چارچوب‌های فکری امروز در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا اصولگرایان به

واسطه به قدرت رسیدن ابراهیم رئیسی و به دست گرفتن مجلس یازدهم توانسته‌اند از نظر گفتمانی خود را تقویت کنند؟

اینچه امروز ما شاهد آن هستیم اصولگرایی نیست. در سال‌های اخیر از نظر تئوریک اتفاق معناداری در جریان اصولگرایی رخ داده که جریان محافظه کاری که ما به صورت کلاسیک می‌شناختیم از زمانی که احمدی نژاد به قدرت رسید تضعیف شد. جریان اصولگرایی از نظر تاریخ ریشه در بازار دارد. از سوی دیگر در بین برخی روحانیون سنتی وجود داشته که کمتر سیاسی بوده‌اند و تمرکز آنها

بیشتر روی مسائل فرهنگی بوده است. از سوی دیگر آنها با موضوعاتی مانند بهائیت مبارزه می‌کردند. اصولگرایان از نظر اقتصادی به دنبال تعامل اقتصادی و بازار با دست بازتر بودند. این جریان سیاسی به صورت کلاسیک بیشتر از بازار آزاد تبعیت می‌کردند. این در حالی است که از زمان احمدی نژاد تفاوت‌های جدی در جریان اصولگرایی به وجود آمد. از این زمان یک طیف تندرو با خاوشی که در زمینه بین‌المللی و اقتصادی با اصولگرایی به معنای کلاسیک آن تفاوت‌های معناداری داشتند، وارد عرصه شدند. این طیف در حوزه بین‌المللی ضد غرب شدند و اساساً مانیفست و ماهیت خود را در تعارض با غرب معنا کردند. این گروه از نظر فلسفی ضد مدرنیته است. از نظر اقتصادی نیز این گروه در سمت فراسوسیالیسم حرکت کردند و به دنبال خلع سلاح کردن نهاد بازار بودند. استدلال این افراد نیز این بود که اگر دولت متولی توزیع درآمدها در همه سطوح شود وضعیت اقتصادی تغییر خواهد کرد و مطلوب خواهد شد. این عده کاریکاتوری از کمونیسم را در ذهن تصور می‌کردند. از اینجا که این طیف فاقد تئورسین بودند هر مفهوم مطلوبی را به بدترین شکل آن تبدیل کردند. در نهایت نیز گفتمان اصولگرایی به یک «شترگاو پلنگ» تبدیل شد.

رئیس‌ی با میراثی که اصولگرایان از نظر گفتمانی در دولت احمدی نژاد برای وی باقی گذاشتند چه خواهد کرد؟
اگر چه احمدی نژاد در کمپین انتخاباتی ابراهیم رئیسی حضور نداشت اما بدنه جریان احمدی نژاد در دولت رئیسی حضور دارند. امروز احمدی نژاد تغییر ماهیت داده و به عنوان یک چهره سیاسی فرصت طلب پس از عملکرد ضعیف هشت ساله تلاش می‌کند خود را در نقش اپوزیسیون معرفی کند. این در حالی است که بدنه‌ای که وی را در هشت سال ریاست جمهوری همراهی می‌کرد امروز تلاش می‌کند خود را به جبهه پایداری نزد یک کند. جبهه پایداری که از نظر فکری از اندیشه‌های مصباح یزدی پیروی می‌کند. بدنه کمپین انتخاباتی ابراهیم رئیسی از این طیف تشکیل شده است. به همین دلیل آنچه امروز ما از اصولگرایی مشاهده می‌کنیم آن اصولگرایی نیست که زمانی در چهره امثال مهدوی کنی، ناطق نوری، علی لاریجانی، حبیب‌ا... عسگر اولادی و یا محمدرضا باهنر می‌دیدید و وجود ندارد. آنچه امروز از اصولگرایی باقیمانده یک جریان تندرواست که طرفدار یکسان‌سازی همه امور است. این جریان یک نظام به‌سامان اتوریته محور را نمایندگی می‌کند که اگر بتوانند بر

همه ساحت‌های جامعه ایران دست یابد ما را وارد دوران سختی خواهد کرد. این یک تفسیر عمومی است که امروز جریان اصولگرایی در آن قرار دارد.

چرا جریان اصولگرایی به سمتی حرکت کرد که طیف تندرو این جریان در نهایت بر طیف‌های معتدل غلبه پیدا کردند؟ آیا ضعف از طیف‌های معتدل بود که نتوانستند گفتمان سازی کنند یا اینکه طیف تندرو فرصت طلبی کرد؟

این اتفاق به دو دلیل رخ داد. نخست اینکه دولت‌هایی که در ایران روی کار آمده بودند در آن زمان نمی‌توانستند به خوبی پاسخ این تعارض را بدهند که در عین حالی که انقلابی باشند کشور را نیز به سمت توسعه هدایت کنند. اصولگرایان به دنبال این هستند که در عین حالی که به اقتصاد اقشار آسیب پذیر توجه می‌کنند به پوپولیسم نیز دچار نشوند. چطور نهاد‌های تولید را تقویت کنند و در عین حال از گسترش روزافزون صندوق‌های صدقه کمیته امداد جلوگیری کنند. احمدی نژاد و دوستانش بر این باور بودند که کشور را باید به صورت صدقه‌ای اداره کرد. در پشت این نگرش یک تصور ساده‌لوحانه وجود داشت که ما به عنوان نهاد دولت که کنترل نفت را در اختیار داریم به همه مردم به صورت مساوی و برابر کمک کنیم تا زندگی آنها محفوظ شود. پشت این

نگرش و ابتدایی فقدان آینده‌نگری در مدیریت کشور بود. نمونه بارز این نوع دولت‌ها در شوروی و چین وجود داشت. اگر چین در سال ۱۹۷۹ تن به تغییر این نگرش نمی‌داد و سیستم اقتصادی را بنیان نمی‌گذاشت که توسط دنگ شیائو پینگ رهبری می‌شد بدون تردید با چالش‌های جدی مواجه می‌شد. نکته مهم در این زمینه این است که زمانی که این تحول در سال ۱۹۷۹ در چین رخ داد نیمی از مردم این کشور برگ درخت می‌خوردند و در قطعی به سر می‌برند. کار به جایی رسیده بود که مردم چین هر چیزی که روی زمین راه می‌رفت اعم از سنگ، گریه، موش،

قورباغه، مار و... را می‌خوردند. این در حالی است که در شرایط کنونی در جامعه چین چنین وضعیتی وجود ندارد و دلیل آن این است که جامعه چین نسبت به گذشته بین‌المللی‌تر شده است. به همین دلیل نیز در غذا خوردن و در سبک زندگی جهانی فکر می‌کنند. چین و شوروی دو نمونه چنین نگرشی بودند که هر دو نیز یاشکست خوردند و مجبور شدند در رویکرد خود تغییر ایجاد کنند. وضعیت این دو کشور نشان داد که اگر قرار است اقتصادی پویا شود نیاز به نوعی اشتیاق در سرمایه‌گذاری، بازگذاشتن بخش خصوصی، اعتقاد به توسعه و باز کردن درها به سوی جهان پیرامون وجود دارد. امروز ما هیچ نمونه‌ای در جهان سراغ نداریم که در یکصد سال اخیر بدون ارتباط و تعامل با جهان وارد پروسه توسعه و پیشرفت شده باشد.

احمد مازنی:

مسئولیت تعلل در احیای برجام با کیست؟

گیری درباره برجام با آقای رئیسی است، نباید فراموش کرد که آقای قالیباف و مجلس یازدهم نیز باید پاسخگو باشند، یعنی این طور نباشد که همه مسئولیت این موضوع متوجه دولت شود. مازنی درباره میزان نگرانی رئیسی برای از دست دادن حمایتش به واسطه پذیرش برجام توضیح داد: همه سیاستمداران در تصمیم‌گیری‌های‌شان نیم‌نگاهی به سید رأی دارند. ۱۶ ماه دیگر انتخابات مجلس و ۳۲ ماه بعد هم انتخابات ریاست جمهوری بر گزار می‌شود بنابراین توجه به موضوع حفظ آرا در تصمیم‌گیری راجع به موضوعات مختلف بی‌تأثیر نیست اما بعید می‌دانم تا این حد نگاه به سید رأی در تصمیم‌گیری‌ها موثر باشد.

نگره

مواضع دوگانه

برخی اصولگرایان در پرونده برجام و مهاجرت به خارج

در روزهای اخیر، ماجرای حضور فرزند انسیه خزعلی و افشاگری‌های برادرش، در فضای رسانه‌ای داغ شده است. قرن نو نوشت: ماجرای که برخی آن را با ماجرای حضور فرزند ابتکار در آمریکا مقایسه می‌کنند که تا مدت‌ها سوژه انتقاد اصولگرایان بود اما این روزها با سکوت کرده‌اند یا نقد جدی به معاون رئیسی نمی‌کنند. این جمله نه یک ادعای صرف که یک واقعیت در رفتار برخی طیف‌ها و چهره‌های سیاسی است. آنقدر که نگاه‌ها به یک موضوع واحد وقتی رئیس‌جمهور روحانی یا خاتمی باشد تا وقتی رئیسی یا احمدی نژاد باشد کاملاً متفاوت می‌شود. شاخص‌ترین موضوع طی روزهای اخیر که تفاوت رفتار راست‌گرایان سیاست را نشان داد در ماجرای مذاکرات برجام و مهاجرت فرزندان برخی مسئولان به خارج از کشور بود.

مواضع دوگانه در برجام و مذاکرات وین
هر چند که برجام در دولت روحانی به امضا رسید اما، با خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، معادلات دولت روحانی به هم ریخت و نتوانست آنطور که باید از شرایط سخت اقتصادی و تحریم‌های حداکثری بر بیاید. همین بهانه‌ای شد برای برخی اصولگرایانکه با شدیدترین و تندترین ادبیات بر او تپانزد و کار تا جایی پیش رفت که حتی او را به اعدام تهدید کردند. مانند مجتبی ذوالنوری، نماینده مردم قم که در توتیوی خطاب به رئیس‌جمهور وقت نوشت: جناب روحانی..... با منطق شما، رهبر انقلاب باید دستور دهند هزار بار شما را اعدام کنند تا دل مردم عزیز راضی شود. اما از سوی دیگر اعتراف می‌کردند اگر مذاکره کنندگان اصولگرایان باشند اشکالی ندارد. مانند حمیدرضا ترقی، فعال سیاسی اصولگرا که در گفت‌وگویی با جماران بیان کرده بود: اگر مذاکره کنند‌ها اصولگرا باشند مذاکره اشکالی ندارد، مذاکره در صورت ضرورت به وسیله کسانی که بتوانند منافع ملت را حفظ کنند و نفوذناپذیر باشند، می‌تواند اتفاق بیفتد. مانند تیم مذاکره کننده هسته‌ای نباشد که دو نفوذی آمریکا داخلش باشد و مسائل امنیتی و اقتصادی ما را تحت تاثیر قرار دارد. در چنین شرایطی متیوان از مذاکره استفاده کرد. مگر ما در جاهای دیگر نظیر همین مذاکره با چین ضرر کرده‌ایم؟ این مذاکرات منطقی صورت گرفته و توافقاتی در حال انجام است. مذاکراتی که بر-د برد باشد ملاک است و طرف چینی هیچ‌گاه به دنبال این نبوده که برد و باختی در مذاکره اتفاق بیفتد. حال، یک سال از رفتن دولت روحانی و کلیم کار آمدن دولت سیزدهم می‌گذرد. لحن و آرام اصولگرایان تغییر کرده و آنانی که روحانی را تهدید به مرگ می‌کردند، خود می‌مذاکرات می‌شوند. آنچنان که مجتبی ذوالنوری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از جمله افراد است. او در واکنش به اینکه شما پیش از این برجام را آتش زدید، خاطر نشان کرد: «آتش زدن برجام به این دلیل بود که اقا فرموده بودند اگر آنها پار-د کنند ما آتش می‌زیم، آقای ترامپ وقتی رفت بیرون یعنی پاره کرد آیا حرف رهبری باید زمین بماند؟! ما وظیفه داشتیم به عنوان سرباز نظام و ولایت، امر آقا را اجرائی کنیم، همین کار را هم کردیم. الان هم آن شرایط پیش‌باید بازم همین کار را خواهیم کرد و از هیچ حمله و انتقادی هم نگران نیستیم. نماینده مردم قم همچنین گفت:

«بنده هم آن زمان که عراقچی به وین می‌رفت که دیروز در دولت احمدی نژاد حضور داشت امروز با ظاهری شیک‌تر به صحنه باید و فکر کند که راه بهتری برای اداره کشور دارد.
تغییر و تحول است. اصولگرایان با خواست تغییر در جامعه ایران چه خواهند کرد؟
واقعیت این است که جریان نواصولگرایی روز به روز ضعیف‌تر خواهد شد. متولیان این جریان باید متوجه این نکته باشند که نمی‌توان کنش‌های سیاسی را با دوپینگ و اران‌های حمایتی پیش برید. این وضعیت مانند بدنی است که عادت ندارد در هیچ سطحی با میکروب مواجه شود. به همین دلیل نیز در اولین مواجهه با میکروب دچار بیماری می‌شود. جامعه ایران سیال است و در حال پشت‌سر گذاشتن تغییرات عمیقی است. نواصولگرایان نیازمند بازبینی هستند تا در مواجهه با بحران‌های آینده به دلیل اینکه متولی اصلی اداره کشور هستند از ارائه راه حل و فصل مشکلات ناتوان ناتوان نباشند.

از مصصومه ابتکار تا انسیه خزعلی
در روزهای اخیر، ماجرای حضور فرزند انسیه خزعلی و افشاگری‌های برادرش، در فضای رسانه‌ای داغ شده است. ماجرای که برخی آن را با ماجرای حضور فرزند ابتکار در آمریکا مقایسه می‌کنند. هرچند که آن روزها صدای انتقاد اصولگرایان از مهاجرت فرزند ابتکار بلند بود، این روزها با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، سعی به توجیه ماجرای فرزند خزعلی دارند. مانند، محمدصادق کوشکی، فعال سیاسی اصولگرا در واکنش به حاشیه‌های فرزند انسیه خزعلی، معاون رئیس‌جمهور به رویداد ۲۴ گفت: «اگر مسئولان و فرزندان‌شان برای این سفرها از اموال شخصی خود استفاده کرده باشند، مشکلی نداشته و به لحاظ حقوقی قابل پیگرد نبوده و هیچ اعتراضی هم وارد نیست. امیدواریم که مسئولان با پول بیت‌المال فرزندان‌شان را به خارج از کشور نفرستاده باشند. با عباس سلیمی نمین که می‌گوید: «مگر بد است یک کسی برای کسب علم به کشور دیگری سفر کند؟! نباید این نخیه‌ها و نوابغ را در این بحث‌های عوام‌فریبانه بیندازیم که چرا باید فرزند فلان مسئول در آمریکا یا هر کشور دیگری حضور داشته باشد؛ اصلاً چه اشکالی دارد؟ نباید مسئولان و فرزندان‌شان را در این بحث‌های عوام‌فریبانه بیندازیم چون کاملاً کار اشتباهی است.